

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

هشت درس از هشتمین امام

کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = سایت طلبه یار

اصولا رسول اکرم(ص) و ائمه(عليهم السلام) طبق روایاتی که داریم قبل از این عالم انواری بوده اند در ظل عرش و در انعقاد نطفه و طینت از بقیه مردم امتیاز داشته اند .»

حضرت امام خمینی ضمن بیان مطلب فوق افزوده اند :

«مقاماتی دارند الی ماشاء الله چنانکه در روایات معراج جبرئیل عرض می کند :

...هر گاه کمی نزدیکتر می شدم، سوخته بودم .

با این فرمایش که ... ما با خداحالاتی داریم که نه فرشته مقرب آن را می تواند داشته باشد و نه پیامبر مرسل. این جزء اصول مذهب ماست که ائمه(عليهم السلام) چنین مقاماتی دارند .

چنانکه به حسب روایات این مقامات معنوی برای حضرت زهرا(ع) هم هست .»

پیشوایان شیعه تمام عمر خویش را صرف بسط احکام و اخلاق و عقاید نمودند و تنها هدف و مقصدشان نشر احکام خدا و اصلاح و تهذیب بشر بوده، نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلیٰ پرتوافشانی کرده و می کند .

در این مختصر با استفاده از رهنمودهای معصومین(علیهم السلام) و علمای بزرگوار در محضر درخشان ترین سیمای نورانی از تبار امام کاظم(ع) و آفتاب خطه خراسان می نشینیم و از اخلاق امام هشتم، هشت درس فرا می گیریم .

دستت نمی رسد که بچینی گلی ز شاخ باری پیاپی گلبن ایشان گیاه باش

۱- عبادت و نیایش

امام خمینی می نویسد :

فرموده ائمه(علیهم السلام) که :

«عبادت ما عبادت احرار است که فقط برای حب خداست، نه طمع به بهشت یا ترس از جهنم است» از مقامات معمولی و اول درجه ولایت است. از برای آنها در عبادات حالاتی است که به فهم ما و شما نمی گنجد .

و در جای دیگر می فرماید: شما خیال می کنید گریه های ائمه

طاهرین(علیهم السلام) و ... برای تعلیم بوده و می خواسته اند به دیگران

بیاموزند؟

آنان با تمام آن معنویات و مقام شامخی که داشتند از خوف خدامی گریستند و می دانستند راهی که در پیش دارند پیمودنش چه قدر مشکل و خطرناک است .

از مشکلات، سختیها ناهمواریهای عبور از صراط که یک طرف آن دنیا و طرف دیگرش آخرت می باشد و از میان جهنم می گذرد خبر داشتند .
از عوالم قبر، برزخ، قیامت و عقبات هولناک آن آگاه بودند از این روی هیچگاه آرام نداشته و همواره از عقوبات شدید آخرت به خدا پناه می بردند .

شیخ صدوق (متوفا به سال ۳۸۱) از ابراهیم بن عباس نقل می کند که:
حضرت رضا(ع) در شب کم می خوابید و بیشتر بیدار می ماند، اکثر شبهایش را از اول شب تا صبح احیا می داشت (و به عبادت و نیایش می پرداخت .)
و حتی اهل منزل خود را به نماز شب وادار می ساخت .

شیخ صدوق در جای دیگر از رجاء بن ابی ضحاک نقل می کند که وی گفت :
مامون به من ماموریت داد تا حضرت رضا(ع) را (به اجبار) از مدینه به مرو بیاورم (تا تحت نظر باشد) و دستور داشتم از راه مخصوصی امام را بیاورم و وی را از قم عبور ندهم (چون مرکز شیعیان بود و احتمال شورش

می رفت) و شب و روز می بایست به نگهبانی از آن حضرت مشغول باشم. از مدینه تا مرو با حضرت بودم، به خدا سوگند کسی را مانند او در تقوا و کثرت ذکر خدا و خوف از او در تمام اوقات ندیدم. و سپس به تفصیل، کیفیت ادای نمازها و ذکرها و راز و نیازهای حضرت را شرح می دهد .

آن حضرت درباره وحشت و هراس شیطان از نماز و نمازگزار می فرماید :

شیطان همواره از مومنی که مراقب وقت نمازهای پنجگانه اش باشد در هراس است و در صورتی که وی نمازهای خود را ضایع کند بر او جرات پیدا می کند و کم کم او را در گناهان بزرگ می اندازد .

برخیز و شست و شو کن با اشک خود وضو کن تحصیل آبرو کن در پیشگاه یزدان دور افکن این ریا را وین کبر و این هوی رایکدم بخوان خدا را چون عاشقی پریشان

۲- انس به قرآن و تامل در آن

اصولا پیوند میان قرآن و عترت پیوندی عمیق، جاودانه و پایدار است که حدیث شریف ثقلین بدان شهادت داده است .

شیخ صدوق از یکی از معاصران حضرت چنین نقل کرده است: همه کلام حضرت و جوابها و مثالهایش بر گرفته از قرآن بود، هر سه روز یک بار قرآن را ختم می کرد و می فرمود :

اگر بخواهم در کمتر از سه روز هم می توانم آن را ختم نمایم اما هرگز به آیه ای نمی رسم مگر اینکه در معنای آن و اینکه درباره چه چیزی و در چه وقتی نازل گشته، می اندیشم .

آن حضرت در مورد پیروی از قرآن می فرماید: قرآن کلام و سخن خداست از آن نگذرید و هدایت را در غیر آن نجوید که گمراه می شوید .

(۱۲)

۳- اطاعت از ولی امر

اساسا تمامی ائمه اطهار(علیهم السلام) تا قبل از رسیدن به مقام امامت مطیع ترین فرد نسبت به ولی امر خویش بوده اند .

امام کاظم(ع) فرموده اند :

«علی، پسر من، بزرگترین فرزندانم است و سخنانم را شنوایانم و دستوراتم را مطیع تر است .»

و اینک ما که در زمان غیبت حضرت صاحب العصر(ع) بسر می بریم نیز بایستی با تمام توان خویش از ولایت فقیه که منصب نمایندگی از جانب حضرت حجت(ع) است، حمایت و پاسداری نماییم. و چه بسیار دور از حقیقت اند آنان که با طرح شبهات کودکانه می خواهند اصل ولایت فقیه را زیر سؤال برند، در صورتی که اطاعت از ولی فقیه در زمان غیبت، مورد تصریح حضرات معصومین(علیهم السلام) قرار گرفته است و حضرت امام خمینی نیز به تفصیل در کتاب ولایت فقیه به شرح آن پرداخته اند .

در قسمتی از کتاب فوق می خوانیم :

الفقهاء امناء الرسل .. همانطور که پیغمبر اکرم مامور اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود و خداوند او را رئیس و حاکم مسلمین قرار داده و اطاعتش را واجب شمرده است فقهای عادل هم بایستی رئیس و حاکم باشند و اجرای احکام کنند و نظام اجتماعی اسلام را مستقر گردانند .

۴- علم و دانش

شیخ طبرسی (از علما و دانشمندان قرن ششم) نقل می کند که :

امام کاظم(ع) همواره به فرزندان خویش می فرمود: این برادر شما، علی بن موسی، عالم آل محمد است، پس از وی در مورد ادیان خود پرسید و آنچه

به شما تعلیم می دهند را حفظ کنید، چرا که از پدرم (امام صادق(ع) « چندین بار شنیدم که می فرمود :

عالم آل محمد در صلب توست و ای کاش او را درک می کردم. یک بار خود آن حضرت فرمودند :

من در روزه (مسجد النبی ص) می نشستم، در مدینه دانشمندان زیادی بودند، هر گاه یکی از آنها در پاسخ دادن به مطلبی عاجز می گشت، همگی به من اشاره می کردند و مسائلی را پیش من می فرستادند و من به آنها پاسخ می دادم .

آری! از سربلندی ندیده قافش صدای سیمرغ .

شیخ طبرسی از هروی نقل کرده است که: هیچ کس را دانشمندتر از علی بن موسی الرضا(ع) ندیدم و هیچ دانشمندی نیز وی را ندید مگر اینکه همانند من به فضل و دانش او شهادت داد .

شیخ صدوق می نویسد: مامون افرادی را از فرقه ها و گروههای مختلف و گمراه دعوت می کرد و قصد آن داشت تا بر امام در بحث و مناظره پیروز شوند و این به جهت حقد و حسدی بود که نسبت به آن حضرت در دل داشت، اما امام باکسی به بحث نشست جز آنکه در پایان به فضیلت آن حضرت اعتراف کرد و در برابر استدلال امام سر فرود آورد .

آری «چراغی را که ایزد بر فروزد» هیچکس را توان خاموشی آن نخواهد بود .

خود حضرت امام رضا(ع) می فرماید :

...آنگاه که من بر اهل تورات با توراتشان و بر اهل انجیل با انجیلشان و بر اهل زبور با زبورشان و بر صائبین با زبان عبری خودشان و بر هر بذران با زبان فارسی شان و بر رومیان با زبان خودشان و بر اصحاب مقالات با لغت خودشان استدلال کنم. و آنگاه که هر دسته ای را محکوم کردم و دلیلشان را باطل ساختم و دست از عقیده و گفتار خود کشیدند و به گفتار من گراییدند مامون در می یابد مسندی که بر آن تکیه کرده است حق او نیست و در این هنگام پشیمان می گردد. سپس فرمود :

«ولا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم .»

۵- امر به معروف و نهی از منکر

طبق تصریح آیات قرآن و روایات اهل بیت(علیهم السلام) امر به معروف و نهی از منکر از اهمیت ویژه ای برخوردار است و اصولا سایر واجبات به واسطه آن دو برپا می گردند .

امیر المؤمنین (ع) فرموده است :

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که در غیر این صورت ستمگران بر شما مسلط می گردند و آنگاه هر قدر هم که دعا کنید اجابت نمی شود .

در جای دیگر نیز فرموده اند :

قوام دین در سه چیز خلاصه می شود :

امر به معروف، نهی از منکر و اقامه حدود .

با توجه به فرمایش حضرت رسول اکرم (ص) که بالاترین جهاد سخن عدلی است که نزد فرمانروای ظالمی ایراد گردد حضرت رضا (ع) در مقاطع مختلف زندگی خویش با جلوه های گوناگون توانست با بالاترین جهاد سیاستهای باطل زمامداران ستمگر زمان خویش را نقش بر آب نماید و چهره حق و حقیقت را بنمایاند .

نقش امر به معروف و نهی از منکر به حدی در زندگی آن حضرت بارز بود که یکی از مهمترین علل شهادت حضرت رضا (ع) محسوب می گردد .

مرحوم شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا (ع) در باب اسباب شهادت آن حضرت، سه خبر نقل کرده است که موید ادعای مزبور می باشد .

و جالب اینجاست که در ضمن خبر اول حضرت به پرونده ثروتهای بادآورده مامون و غیرقانونی بودن آنها نیز اشارت کرده است .

مرحوم شیخ کلینی (متوفا به سال ۳۲۹) درباره عذاب تارکان امر به معروف و نهی از منکر حدیثی از امام رضا(ع) نقل کرده که آن حضرت از قول رسول خدا(ص) فرموده :

زمانی که امت من نسبت به امر به معروف و نهی از منکر سهل انگاری کنند و مسوولیت را به گردن یکدیگر اندازند (و هر کس منتظر این باشد که دیگری آن را انجام دهد) در این صورت بایستی منتظر عذاب الهی باشند و این کار آنها به منزله اعلان جنگ با خداست .

یکی از کنیزان مامون چنین گفته است :

«هنگامی که در منزل مامون بودیم در بهشتی از خوردنی های و نوشیدنی ها و بوی خوش و پول فراوان بسر می بردیم اما همین که مامون مرا به امام رضا(ع) بخشید دیگر از آن همه ناز و نعمت خبری نبود، زنی که سرپرست ما بود، شب ما را بیدار می کرد و به نماز وادارمی ساخت که بر ما سخت و گران می آمد و آرزو می کردم از آنجا رهایی یابم ...»

که البته به زودی توسط حضرت به دیگری بخشیده شد زیرا لیاقت خدمت در منزل امام رانداشت .

همانطور که ملاحظه می شود، امام نسبت به نماز شب خواندن اهل منزل عنایت داشتند و لذا به سرپرست زنان دستور داده بودند که آنها را در آن موقع بیدار نمایند .

در اینجا یادآوری این نکته بجاست که میان «تحمیل عقیده» و «تحمیل عمل در برخی امور» تفاوت وجود دارد. در قرآن کریم می خوانیم :

«لا اکراه فی الدین» [در دین تحمیل عقیده راه ندارد.] در صورتی که تحمیل عمل در برخی ازموارد که مصلحت بالاتری وجود دارد نه تنها جایز بلکه ضروری می باشد. به عنوان مثال وقتی معلمی دلسوز، دانش آموز خود را به انجام پاره ای از تکالیف وادارمی سازد، هیچگاه نمی خواهد تحمیل عقیده نماید بلکه به خاطر در نظر گرفتن صلاح و مصلحت دانش آموزش به وی نوعی عمل را اجبار می کند و چه بسا همان دانش آموز پس از رسیدن به مدارج عالی علمی از کار معلم بسیار خشنود و دلشاد گردد .

تذکرات دلسوزانه خمینی کبیر را مروری دوباره کنیم: باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتب و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادی های

مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است بطور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسوول می باشند و جوانان حزب اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاههای مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند خودشان مکلف به جلوگیری هستند خداوند تعالی مددکار همه باشد .

۶- هشپاری سیاسی و سازش ناپذیری

ائمه (علیهم السلام) نه فقط خود با دستگاههای ظالم و دولتهای جائر و دربارهای فاسد مبارزه کرده اند بلکه مسلمانان را به جهاد بر ضد آنها دعوت نموده اند، بیش از پنجاه روایت در وسائل الشیعه و مستدرک و دیگر کتب هست که «از سلاطین و دستگاه ظلمه کناره گیری کنید و به دهان مداح آنها خاک بریزید، هر کس یک مداد به آنها بدهد یا آب در دواتشان بریزد چنین وچنان می شود ..» خلاصه دستور داده اند که با آنها به هیچ وجه همکاری نشود و قطع رابطه بشود .

امام خمینی در جای دیگر اینطور می فرماید :

ائمه ما (علیهم السلام) همه شان کشته شدند برای اینکه همه اینها مخالف با دستگاه ظلم بودند اگر چنانچه امامهای ما تو خانه هایشان می نشستند ..

محترم بودند، روی سرشان می گذاشتند ائمه ما را، لکن می دیدند هر یک از اینها حالا که نمی تواند لشرکشی کند از باب اینکه مقتضیاتش فراهم نیست، دارد زیرزمینی اینهارا از بین می برد، اینها را می گرفتند حبس می کردند ..
مرحوم شیخ کلینی از قول یکی از یاران امام رضا(ع) می نویسد :

پس از آنکه حضرت رضا(ع) به امامت رسید سخنانی ایراد فرمود که بر جان وی ترسیدیم و لذا به آن حضرت عرض شد: مطلبی آشکار کردی که بیم داریم این طاغوت(هارون) بر علیه شما اقدامی کند، و حضرت در جواب فرمود :

هر کاری می تواند انجام دهد ..

یکی دیگر از یاران حضرت می گوید :

به امام عرض کردم: شما خود را به این امر (یعنی امامت) شهره ساخته و جای پدرنشسته اید، در حالی که از شمشیر هارون خون می چکد (و دوران اختناق عجیبی حکمفرماست، شما با چه جرأتی چنین می کنید؟!) که آن حضرت با پاسخ خود به وی فهماند که این مسائل و ماموریت‌های ائمه(علیهم السلام) قبلا از جانب الهی تعیین شده و هارون قدرت مقابله با حضرت را ندارد .

امام هشتم با هشیاری سیاسی خویش توانست پس از مرگ هارون (که در سال دهم از امامت حضرت اتفاق افتاد) در دوران نزاع و کشمکش های میان دو برادر (یعنی امین و مامون) به ارشاد و تعلیم و تربیت شیعه ادامه دهد . و بالاخره پس از به قدرت رسیدن مامون، با حرکتها و موضعگیریهای دقیق و حکیمانه نقش عظیم خویش را به خوبی ایفا نمود .

همانطور که معروف است مامون در میان خلفای بنی عباس از همه داناتر و زیرک تر بود، از علوم مختلف آگاهی داشت و تمام اینها را وسیله ای برای پیشبرد قدرت شیطانی خویش قرار داده بود و از همه مهمتر جنبه عوام فریبی وی بود. وی با طرح یک نقشه حساب شده، ولایت عهدی حضرت را پیشنهاد کرد که اهداف مختلفی را دنبال می نمود از جمله: در هم شکستن قداست و مظلومیت امامان شیعه و پیروانشان، مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش و خلفای جور قبلی و کسب وجهه و حیثیت برای خویش، تخطئه شیعیان مبنی بر عدم اعتنا به دنیا و ریاست، کنترل مرکز و کانون مبارزات، دور کردن امام از مردم و تبدیل امام به یک عنصر درباری و توجیه گر دستگاه .

مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای (مدظله العالی) ضمن برشمردن و توضیح اهداف فوق فرموده اند :

در این حادثه، امام هشتم علی بن موسی الرضا(ع) در برابر یک تجربه تاریخی عظیم قرار گرفت و در معرض یک نبرد پنهان سیاسی که پیروزی یا ناکامی آن می توانست سرنوشت تشیع را رقم بزند، واقع شد. در این نبرد رقیب که ابتکار عمل را بدست داشت و با همه امکانات به میدان آمده بود مامون بود .

مامون با هوشی سرشار و تدبیری قوی و فهم و درایتی بی سابقه قدم در میدانی نهاد که اگر پیروز می شد و اگر می توانست آنچنانکه برنامه ریزی کرده بود کار رابه انجام برساند یقینا به هدفی دست می یافت که از سال چهل هجری یعنی از شهادت علی بن ابیطالب(ع) هیچیک از خلفای اموی و عباسی با وجود تلاش خود نتوانسته بودند به آن دست یابند یعنی می توانست درخت تشیع را ریشه کن کند و جریان معارضی را که همواره همچون خاری در چشم سردمداران خلافت‌های طاغوتی فرو رفته بود بکلی نابود سازد. اما امام هشتم با تدبیری الهی بر مامون فائق آمد و او را درمیدان نبرد سیاسی که خود به وجود آورده بود بطور کامل شکست داد و نه فقط تشیع ضعیف یا ریشه کن نشد بلکه حتی سال دویست و یک هجری یعنی سال ولایتعهدی آن حضرت یکی از پر برکت ترین سالهای تاریخ تشیع شد و نفس تازه ای در مبارزات علویان دمیده شد و این همه به برکت تدبیر

الهی امام هشتم و شیوه حکیمانه ای بود که آن امام معصوم در این آزمایش بزرگ از خویشتن نشان داد .

آری نمونه های هشیاری و تیزی آن حضرت در قضایای متعددی جلوه گر است مانند ماجرای نماز عید که هر چند با پیشنهاد مامون بود اما حرکت و شیوه حضرت به گونه ای بود که مامون دستور جلوگیری از اقامه نماز را صادر کرد و به قول رهبر عزیزمان «مامون را در میدان نبردی که خود به وجود آورده بود بطور کامل شکست داد .»

۷- تواضع و فروتنی

مرحوم شیخ صدوق به نقل از یکی از معاصران حضرت رضا(ع) می نویسد: چون سفره انداخته می شد، غلامانش حتی دربان و نگهبان نیز با اوسر یک سفره می نشستند .

مرحوم ابن شهر آشوب (متوفا به سال ۵۸۸) نیز می نویسد :

روزی امام وارد حمام شد، مردی (که حضرت را نمی شناخت) از وی درخواست کرد تا او را کیسه کشد، امام نیز پذیرفت و مشغول شد. حاضران به آن مرد، حضرت را معرفی کردند و او با کمال شرمندگی و سرافکنندگی

از حضرت پوزش خواست اما حضرت رضا(ع) او را آرام نمود و به کار خود همچنان ادامه داد .

مرحوم کلینی طبق حدیثی فرموده :

شب‌ی امام مهمان داشت، در میان صحبت، چراغ دچار نقص گشت، مهمان خواست آن را اصلاح نماید ولی حضرت اجازه نداد و خود به اصلاح آن پرداخت .

مرحوم علامه مجلسی (متوفاً به سال ۱۱۱۱) چنین نقل کرده است :

مردی از اهالی بلخ گوید :

در سفر خراسان با حضرت همراه بودم، به دستور وی سفره انداخته شد و خدمتکاران و غلامان، چه سیاهان و چه غیر ایشان، همگی را بر سر یک سفره نشاند، به امام عرض کردم :

فدایت شوم خوب بود برای اینها سفره جداگانه ای می انداختید. حضرت فرمود :

ساکت باش .

پروردگار همه یکی است، پدر و مادر همه یکی است و پاداش و جزا (فقط) به عمل بستگی دارد (نه بر حسب و نسب و جاه و مقام).

۸-احترام و محبت به دیگران

مرحوم اربلی (از دانشمندان قرن هفتم) در خبری که نقل نموده است از قول یکی از معاصران امام رضا(ع) می نویسد :

هرگز ندیدم که امام در سخن خویش نسبت به کسی بی احترامی کند و هرگز ندیدم که کلام دیگری را قطع کند، و می گذاشت تا سخنانش به پایان رسد .. هیچگاه در برابر کسی که مقابلش نشسته بود پاهایش را دراز نمی کرد و تکیه نمی زد. هرگز ندیدم به هیچیک از خدمتکاران و غلامانش ناسزا گوید ..

آن حضرت فرموده است :

محبت به دیگران نیمی از عقلانیت و خرد ورزی است .

و از آنجا که درصد قابل توجهی از کینه ها و دلخوری ها به سبب سخنان بی مورد و بعضا نیش داری است که نسبت به یکدیگر اظهار می گردد و شاید در اکثر موارد نیز بی قصد و غرض باشد آن حضرت فرموده اند :

سکوت موجب جلب محبت می گردد .

در پایان، از محضر نورانی امام رئوف و مهربان حضرت رضا(ع) پوزش می طلبیم؛ چرا که بیان یک ویژگی از ویژگیهای خدایی ایشان از عهده کسی ساخته نیست .

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم